لزوم تدریس کتاب شاطبیه و علم رسم المصحف در حوزه

نکته سوم این بود: مطلب خیلی اهمیت داری است. در جلسه قبل پیشنهادی را عرض کردم. خیلی خوب است که دو علم در حوزه کتاب درسی شود. اگر اینها کتاب درسی شود، مثل اینکه الآن ادبیات هست، آیندگانی که درسشان بر خواندن این دو کلاس شود، طور دیگری اطلاعات دارند؛ یعنی اینطور نیست که سالها بگذرد و این واضحات را اصلاً نشنیده باشند. یکی علم رسم المصحف بود. این کتاب را از این محققینی چند جلسه قبل آوردم. ولی خودش علم مهمی است. یکی هم کتاب شاطبیه است. یعنی همانی که آقای شعرانی میفرمودند آن را نزد پدرم خواندم. آقای حسن زاده گفتند من نزد آقای شعرانی خواندم و وارد قم شدم آن را درس دادم. یعنی اینطور عنایت جدی شود. شاطبیه و رسم المصحف درسی شود فوائد خوبی دارد.

شاگرد: این پیشنهادی که میفرمایید مرجع ضمیرش خودتان هستید.

استاد: من که سنم الآن بالای شصت است، بالای پنجاه اینها را در مباحثه شروع کردیم. حتی من در آن جلسه گفتم من نمیتوانم بگویم از صفر شروع کردم. وقتی من اینها را شروع کردم زیر صفر شروع کردم. یعنی ذهنیتهایی مبانی و مضاد با اینها بود. یعنی اصلاً فضا به آن صورت بود. لذا عرض کردم من حرف شیخ الطائفه را در تبیان، چند سال به آن صورت معنا میکردم.

شاگرد: باز هم شروع شود خوب است.

استاد: از باب اینکه بهانه ای باشد که شروع شود، حرفی نیست. مانعی ندارد. ولی نیمه طبیب بلای جان است. نیمه طبیب نمیتواند کاری بکند. باید کسانی که خودشان استاد دیدهاند بگویند. شاطبیه متن سنگینی است. شما شعرش را بخوانید چیزی نمی فهمید. من مقدمه آن را دیده بودم؛ بین مطالعات و جست و جوهای نرمافزاری که دیدم، گفتم این چیست؟! آدم اصلاً سر در نمیآورد. چون رمز است. اصلاً چیزهایی میگوید که همه آنها رمز است. آدم میگوید شارح چطور میخواهد اینها را از این در بیاورد! باید مقدمه آن را بخوانید و رمزهای آن را یاد بگیرید. یعنی اینطور کتابهای کلاسیک و غامض بوده! شهید ثانی شاطبیه را در اوائل جوانیشان میخواندند. خود شهید در شرح حال خودشان فرمودند. سندها را ذکر میکردند. صاحب معالم از جدشان و ... . اینها به شاطبیه سند داشتند و توضیح میدادند. در اجازات بحارالانوار هست.

شاگرد۲: برخی از مطالبی که در اینجا هست هنوز تمام نشده.

استاد: بله، اشکالاتی که در اینجا هست، هنوز وارد نشدهایم. اشکالات سنگینی است و باید از آنها بحث کنیم. ولی منظور من این است که نباید پای مرکبهای لنگ صبر کنید. اگر جوانان بخواهند معطل پیرمردهایی که نه کار کردهاند و برای چند سال بعد بگذارند، درست نیست. باید

اقدام شود و کتاب‌ها را بخرند و بیاورند و بحث کنند. کم‌کم کسی که درسش را خوانده و الآن حاضر الذهن است، بیاید و بگوید. نوارش ضبط شود و دیگران استفاده کنند. نمی‌دانم از شاگردان آقای حسن زاده که نزد ایشان شاطبیه خوانده هستند یا نیستند؛ حاضر هستند درس بدهند یا داده‌اند یا نه، نمی‌دانم.

شاگرد: آقای شنقیطی که النشر را تحقیق کرده‌اند، طیبة النشر را تدریس کرده‌اند، صوت‌هایشان هست.

استاد: بله.

بازبینی #2
ایجاد شده 27 آوریل 2024 15:18:14 ظهر ... .
به روزرسانی شده 4 ژوئن 2024 12:48:27 ظهر ... .